

ارزیابی پیامدهای اسکان جامعه عشایری شهرستان بویراحمد در کانون‌های دشت روم

عباس امینی* و ثریا روز فراخ^۱

(دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴؛ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲)

چکیده

تحولات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر، جوامع عشایری را در ادامه سبک زندگی خود با دشواری‌های جدی روبرو نموده است. اسکان از جمله راهکارهای مدیریت بخشی از این چالش‌ها از دیدگاه برخی از مسئولان و اعضای جامعه عشایری است. هرچند این سیاست نیز به اهداف مورد نظر دست نیافته و پیامدهای نامطلوبی هم به دنبال داشته است. پژوهش حاضر، پیامدهای اسکان عشایر در کانون‌های هدایت‌شده (حسین‌آباد، منصورآباد و تلخدان) و خودجوش (تنگاری) منطقه دشت روم شهرستان بویراحمد را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پهنه‌های اسکان عشایر در کشور بررسی کرده است. از جامعه آماری ۲۸۰ خانواری این کانون‌ها، ۲۱۹ خانوار بر اساس حداکثر دسترسی، مورد پرسشگری قرار گرفته و داده‌های مورد نیاز با مصاحبه‌های میدانی و تکمیل پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته و اعتبارسنجی شده‌ای با ضریب آلفای ۰/۸۹ گردآوری شد. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، نه عامل با مجموع تبیین واریانس بالای ۶۴ درصد به‌عنوان پیامدهای اسکان شناسایی شد که به ترتیب عبارت‌اند از بهبود مسکن و کیفیت زندگی، دسترسی به خدمات (زیربنایی، آموزشی و بهداشتی)، تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی، تقویت بنیه اقتصادی، افزایش کیفیت و بهداشت محیط اسکان، آسیب‌های اجتماعی، بهبود وضعیت درآمدی، مشارکت و همکاری‌های جمعی و تغییر کاربری اراضی (تخریب‌های محیطی). قبل از اسکان بیشتر زمین‌های زراعی دیم و بعد از اسکان به‌صورت آبی مورد بهره‌برداری قرار گرفته و تعداد دام‌های ساکنین و مصرف و فروش تولیدات لبنی نیز بعد از اسکان کاهش چشمگیر داشته است. به‌طور کلی، سیاست اسکان با بیش از ۱۵ سال سابقه در منطقه دشت روم، در ارتقای بهره‌وری و تحول در اقتصاد و معیشت زندگی عشایری موفقیت چشمگیری نداشته و باعث رانش نسبی ساختارهای اقتصادی از بخش‌های تولیدی به مشاغل دیگر شده است، هرچند بین چهار کانون مورد مطالعه به لحاظ شدت و گستره تغییرات و پیامدهای بررسی شده تفاوت‌هایی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اسکان عشایر، کانون‌های دشت روم، شهرستان بویراحمد.

^۱ به ترتیب، دانشیار و دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان. اصفهان، ایران.
* مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: a.amini@geo.ui.ac.ir

آن مستلزم تداوم عقب‌ماندگی و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی روزافزون بر مردم به‌ویژه زنان و کودکان محروم از آزادی و حقوق مدنی است. به این ترتیب توسعه و بهبود زندگی عشایر مطابق شاخص‌های مورد توجه در توسعه همه‌جانبه و پایدار، درگرو اسکان داوطلبانه و برنامه‌ریزی‌شده و تحول نظام ایلی و استحاله آن در نظام ملی است (عبداللهی، ۱۳۸۶). طرح‌های اسکان در پی اهدافی همچون برقراری عدالت، بهبود توسعه انسانی، پایداری محیطی و افزایش رفاه و نهایتاً رضایت‌مندی بخش کوچ‌نشین جامعه به اجرا درمی‌آیند (شاطری و حجتی‌پور، ۱۳۹۰). اسکان جامعه کوچ‌نشین به گونه درون‌زا و خودجوش یا برنامه‌ریزی‌شده توسط دولت، با تحولاتی اساسی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی زندگی عشایر همراه است (توکلی و ضیاء‌توانا، ۱۳۸۸). از جمله مؤلفه‌های بسیار مهم طرح‌های اسکان، مکان‌یابی سایت‌های مناسب با عنوان کانون‌های اسکان مبتنی بر مطالعه جامع و تفصیلی زیست‌بوم‌های عشایری است که سهم و نقش عمده‌ای را در سطح موفقیت این کانون‌ها و میزان دستیابی آن‌ها به اهداف اسکان ایفا می‌کند (صیدائی و دهقانی، ۱۳۹۰).

دیدگاه‌های نظری مختلفی در رابطه با اسکان عشایر وجود دارد و مکاتب فکری و توسعه‌ای مختلف، هرکدام ضرورت و پیامدهای آن را از زاویه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. از دیدگاه تغییرات اجتماعی، در اثر اسکان، ساختارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی در یکدیگر ادغام شده و با محوریت بیشتر قانون‌گرایی و پذیرش الگوها، از تک‌روی‌های قومی، قبیله‌ای و نژادی کاسته خواهد شد. به علاوه، با فراهم شدن امکان خدمات‌رسانی بیشتر، هزینه‌های اجتماعی در ابعاد مختلفی همچون درمان، آموزش و بهسازی کاهش می‌یابد و نظارت و کنترل نیز بیشتر خواهد شد. طبق این دیدگاه، اسکان عشایر را باید زمینه‌ساز تغییرات اساسی در پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اجتماعات عشایری دانست (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۱). از نگاه مکتب نوسازی هم که بیش از مکاتب و نظریه‌های دیگر بر ضرورت اسکان عشایر تأکید دارد، به دلیل عدم امکان کنترل و برنامه‌ریزی متمرکز برای جوامع کوچ‌نشین، پتانسیل‌های بالقوه آنان برای توسعه ملی در سطحی مطلوب به ظهور نمی‌رسد و به علاوه، موانعی را هم ایجاد می‌نمایند (توکلی، ۱۳۸۴). رها نمودن

تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رخ داده در دهه‌های اخیر، جامعه عشایری را در ادامه زندگی‌شان با شیوه‌های گذشته با دشواری‌هایی اساسی روبرو نموده و پیامدهایی درخور تأمل به دنبال داشته است (نجفی، ۱۳۸۳). این نوع جوامع، به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن زندگی آنان، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح نامطلوب زندگی، سطح پایین فناوری، پایین بودن سطح سواد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱)، مشکلات کوچ‌روی در بیلاق و قشلاق، کمبود امکانات در زیست‌بوم‌های عشایری، توزیع ناعادلانه خدمات و امکانات در بخش‌های شهری، روستایی و عشایری و ادراک و آگاهی عشایر از بی‌عدالتی‌ها و نبود تعادل‌های فضایی، از جمله انگیزه‌های اصلی یکجانشینی و اسکان بوده و در موارد بسیاری سبب شده است تا این راهکار از سر ناچاری و بدون توجه اقتصادی، اجتماعی و تولیدی اجرا شود (اداره کل امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۰). سیاست اجرای طرح‌های اسکان در رابطه با جوامع عشایری کشور که در مواردی، نظیر آنچه به تخته‌قاپو کردن عشایر معروف است و حدود هشت دهه از آن می‌گذرد، نه یک اقدام عمرانی و اجتماعی، بلکه یک امر سیاسی و امنیتی بود که به اجبار و با اهداف دیگری بر عشایر تحمیل شد. در اسکان خودانگیخته در دهه‌ی ۱۳۳۰، اجباری برای اسکان در کار نبوده و با پیدایش انگیزش درونی خانوارها با برتری اقتصادی یکجانشینی در مقایسه با کوچ‌نشینی همراه است (صیدائی و دهقانی، ۱۳۹۰). در دوره‌های مختلف و به‌ویژه از زمان اجرای برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) تاکنون، مهم‌ترین سیاست در ساماندهی جامعه‌ی عشایری، رویکرد اسکان بوده و حجم عمده اعتبارات عشایری کشور در این راستا هزینه شده است (شاطریان و دیگران، ۱۳۹۰). امروزه برخلاف گذشته، عشایر ایران نه تنها مخالف اسکان نیستند، بلکه دست‌کم بخشی از آنان خود متقاضی و خواهان آن هستند. چنین اسکانی دیگر چون گذشته خصلتی سیاسی و اجباری ندارد و فرایندی داوطلبانه و برنامه‌ریزی‌شده است که به‌منظور توسعه و بهبود زندگی عشایر صورت می‌گیرد. این تحول گویای آن است که در شرایط امروزی ایران و جهان، جامعه عشایری تحت نظام ایلی توان توسعه خود را از دست داده و هرگونه تلاش در جهت حفظ و بقای

بلکه شیوه تولیدی آنان دانسته که هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است. آنچه در رابطه با اسکان عشایر و سابقه آن در ایران دارای اهمیت و درخور تأمل است، چنانکه توکلی و ضیاء توانا (۱۳۸۸) نیز اشاره می‌کنند، که این امر هیچ‌گاه تنها به خواست برنامه‌ریزان و با اهداف یاد شده عملی نشده است و مجموعه عوامل متعددی زمینه‌های روی‌آوری به اسکان را چه خودجوش و بی‌برنامه و یا با برنامه فراهم نموده است.

منطقه‌ی مورد بررسی، چهار کانون اسکان واقع در دهستان دشت روم شهرستان بویراحمد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مطرح‌ترین سایت‌های اسکان عشایر در سطح کشور است که یک مورد از آن‌ها (تنگاری) داوطلبانه و خودجوش و سه مورد دیگر (حسین‌آباد، منصورآباد و تلخدان) به‌طور هدایت‌شده و با برنامه در سال‌های نیمه نخست دهه ۱۳۷۰، با مجموع ۲۸۰ خانوار شکل گرفته‌اند. در مطالعه حاضر، پیامدهای اسکان یافتن عشایر ایل‌ها و طوایف مختلف شهرستان بویراحمد در این کانون‌ها بر جوانب مختلف سبک و کیفیت زندگی و معیشت آنان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و خدماتی، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. استان کهگیلویه و بویراحمد با بیشترین درصد جمعیت روستانشین (بیش از ۵۰ درصد) و حضور بخش قابل‌توجهی از جامعه عشایری کشور در آن که اتفاقاً تولیدکننده بخش عمده مواد غذایی مورد نیاز استان نیز می‌باشند، دارای مناطق توسعه‌نیافته بسیاری است که با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند (احمدی‌کیش و همکاران، ۱۳۹۵).

مهاجرت به شهرها و حاشیه‌نشینی، بیکاری، شغل‌های کاذب و خالی شدن برخی از روستاها، پیامدهایی از این توسعه‌نیافتگی هستند که باعث بدون استفاده ماندن بخش مهمی از ذخایر و منابع خدادادی این استان به‌ویژه در شهرستان بویراحمد شده است (همان). با توجه به اینکه آخرین راهبردهای اسکان عشایر مبتنی بر الگوی توسعه پایدار و دستیابی به آن تعریف شده است، تلاش مطالعه حاضر آن بوده است تا بر همین اساس به ارزیابی همه‌جانبه پیامدهای اسکان جامعه عشایری منطقه دشت روم شهرستان بویراحمد از دیدگاه خود این جامعه بپردازد؛ بنابراین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و محیطی-کالبدی مختلفی برای این ارزیابی در نظر گرفته شده است. به‌علاوه، مقایسه منطقه‌ای این پیامدها

جوامع عشایری و عدم اسکان و یکجانشینی آنان، مطابق دیدگاه‌های مربوط به شهرنشینی و مهاجرت نیز باعث آن می‌شود که به دلیل فقدان امکانات و تغییرات بنیادی در اقتصاد و معیشت، جوامع پیرامونی روستایی و عشایری با نقل مکان و حاشیه‌نشینی در حومه شهرها، مراکز فیزیکی و بافت‌های نامتعارف و مشکل‌زایی به شکل شهرک‌های عشایری ایجاد نمایند. برخی دیدگاه‌های زیست‌محیطی نیز اسکان عشایر را به دلیل چرای بی‌رویه و پیامدهای آن همانند تخریب جنگل‌ها و مراتع در نظام کوچندگی، ضروری دانسته‌اند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶) و با رویکردی محدودکننده و حذفی در رابطه با جامعه عشایری (توکلی، ۱۳۸۴)، راه چاره را در تغییر شیوه معیشت و اشتغال جوامع عشایری می‌جویند. در مقابل، رهیافت توسعه پایدار شیوه‌های معیشت و تولید عشایری را نوعی صورت‌بندی اجتماعی خاص با پیوندهای بسیار با اقتضائات محلی و بومی تلقی نموده که با وجود نیاز به توسعه و آگاهی و دانش، به‌سادگی نباید مورد دست‌کاری قرار بگیرد (محمدپور و احمدی، ۱۳۸۴). بر همین اساس است که نظرات و دیدگاه‌های برخی محققین بومی کشور در رابطه با اسکان، به‌عنوان رویکردی برای ساماندهی و توسعه جوامع عشایری، با رهیافت اخیر قرابت بیشتری دارد. برای نمونه، عبداللهی (۱۳۸۶) معتقد است که اگرچه اسکان به‌خودی خود هدف نبوده و محمل و وسیله‌ای برای ایجاد تحول در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردمان عشایری است، باید به‌طور خردمندانه‌ای هدایت شود تا بتوان به کارکردهای آن به‌عنوان یکی از مصادیق کاهش ناهنجاری و چندگانگی ساختاری و گسترش یکپارچگی در سطح جامعه در راستای وحدت ملی و هم‌سویی با روندهای عام توسعه در ایران و جهان، امیدوار بود. به‌ویژه آنکه در شرایط امروزی، جامعه عشایری با ساختار ایلی ظرفیت توسعه خود را از دست داده و بهبود کیفیت زندگی عشایر مطابق با شاخص‌های چندگانه مورد توجه در توسعه متوازن، همه‌جانبه و پایدار درگرو اسکان داوطلبانه و برنامه‌ریزی‌شده است. بخشنده نصرت (۱۳۷۰) بر این باور است که مناسبت و کارآمدی یک شیوه معیشتی خاص مانند کوچندگی، رمه‌گردانی یا اسکان، برای تمام مناطق عشایری ایران یکسان نبوده و هر یک از مناطق عشایری نیازمند برنامه‌ریزی ویژه است. کیاوند (۱۳۶۸) هم مشکل جوامع عشایری را نه کوچ یا اسکان،

در بین چهار کانون مختلف منطقه نیز هدف مهم دیگر مطالعه به شمار می‌رود.

در پایان این بخش، پس از برخی منابع داخلی به‌اختصار تجارب اسکان عشایر و نتایج آن‌ها در برخی از کشورهای دیگر را مرور می‌کنیم. صالحی (۱۳۸۴)، طرح‌های ساماندهی عشایری در کانون‌های گل‌افشان و چشمه‌رحمان در شهرستان سمیرم را به دلیل خاتمه دادن به دشواری‌های کوچ‌روی و افزایش رفاه خانوارها در نتیجه تلفیق دامداری و زراعت، موفق ارزیابی کرده گرچه تأثیر زیادی در افزایش درآمد خانوارها عشایری نداشته است. خضولو و همکاران (۱۳۸۴)، اسکان عشایر دشت شیبلو در استان آذربایجان غربی را ارزیابی کرده و نشان دادند که مشکلات عشایر در بخش کشاورزی، علاوه بر ناآگاهی آنان از اصول کشاورزی، شامل مشکلات آبیاری زمین‌های زراعی و تسطیح نبودن اراضی کشاورزی می‌باشد. همچنین، تکمیل نبودن واحدهای مسکونی و آغل‌های دامی، مشکل آب آشامیدنی و دوری از مرتع قشلاقی، علل استقبال نکردن عشایر از سایت اسکان شیبلو ذکر شده است. به‌علاوه، کارشناسان و مدیران اداره کل امور عشایر نیز محدودیت اساسی این طرح را مشارکت نکردن عشایر دانسته‌اند. رفیع‌فر و قربانی ریگ (۱۳۸۶)، تغییرات فرهنگی اسکان عشایر تالش در طول سه نسل را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و آموزش‌های رسمی موجب تغییر در نوع پوشاک و مسکن، نظام خانواده، باورها و سایر جلوه‌های فرهنگی آن‌ها شده است. آنامرادنژاد (۱۳۹۰)، ضمن بررسی تحولات اجتماعی عشایر بندر ترکمن اشاره می‌کند که اسکان اجباری زمینه استفاده از زمین‌های کشاورزی منطقه را فراهم کرده و ورود ماشین‌آلات کشاورزی، اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مفیدی داشته است. طبق نتایج مطالعه جرستی و مانال (Kjersti & Manal, 2002)، اسکان قبایل ماسایی در تانزانیا تجربه موفق‌تری نبوده است و اقدامات عمرانی دولت باعث مهاجرت کشاورزان زیادی به منطقه شده ولی با وجود اقدامات تشویقی برای فروش دام، توفیقی در این زمینه نداشته است. ارزیابی طرح اسکان عشایر هواویر در سودان نشان داد که عشایر مذکور تمایل چندانی به سکونت در روستای محل اسکان نداشته و نبود امکاناتی چون برق و آب کافی، پیش‌بینی نکردن فضای لازم برای دام عشایر، نبود مراتع مناسب برای چرای

دام در محل جدید و غیر مشارکتی بودن فرآیند مکان‌یابی از جمله مشکلات این طرح بوده است (Larsen, 2003). در نیجریه و اتیوپی، اسکان عشایر و در پی آن تهیبه مسکن، زمین کشاورزی، خدمات دامپزشکی، آموزشی و درمانی، موجب افزایش جمعیت شده و از طرفی آموزش‌های رسمی نیز موجب فاصله گرفتن فرزندان از شیوه‌های تربیت سنتی و کمتر ارزش قائل شدن آن‌ها برای فرهنگ بومی‌شان شده است (Vassa, 2001). در کنیا، طی دوره خشکسالی ۱۹۹۲، کودکان عشایری اسکان‌یافته‌ی رندینلی در شمال این کشور تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری کوچنده دچار سوء‌تغذیه بوده‌اند (Larsen, 2003). اسکان عشایر در تبت چین با هدف حفاظت از محیط‌زیست، جلوگیری از تخریب چراگاه‌ها، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانوارهای عشایری و کنترل سیاسی آن‌ها به اجرا درآمده است. لکن خانوارهای عشایری به دلایلی از قبیل دوری از مناطق قشلاقی و نبود فضای کافی برای حفظ دام، از خانه‌هایی که دولت در محل‌های مورد نظر برای آن‌ها ساخته راضی نبوده و برخی از آن‌ها مخفیانه اقدام به فروش این خانه‌ها کرده‌اند. این خانه‌های جدید هرچند دسترسی به جاده را آسان می‌کرد اما بسیاری از خانوارهای اسکان‌یافته مقررات شهرک‌های سکونت را نادیده گرفتند و مشکلاتی را برای دولت به وجود آوردند (Jarmila, 2011).

روش پژوهش

از جمعیت ۲۴۳۷۷۱ نفری شهرستان بویراحمد، ۱۵/۵۶ درصد معادل ۳۷۷۰۲ نفر و ۶۰۴۳ خانوار در زیست‌بوم‌های عشایری زندگی می‌کنند. از این میزان، ۴۲۵۲ نفر در قالب ۷۲۸ خانوار متعلق به دهستان دشت روم است که ۲۴۰ خانوار آن‌ها در سه کانون هدایتی حسین‌آباد (۳۸ خانوار)، منصورآباد (۱۰۷ خانوار) و تلخدان (۹۵ خانوار) و ۴۰ خانوار در کانون خودجوش و حمایتی تنگاری اسکان یافته‌اند. اهداف عمده مورد نظر از اسکان این خانوارها در این چهار کانون، فراهم شدن و تسهیل امکان دستیابی آن‌ها به خدمات و امکانات رفاهی، جلوگیری از تخریب مراتع، تغییر دام‌های آنان از سبک به سنگین و توسعه مشاغل کشاورزی در کنار دامداری عنوان شده است (استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۲). بدون نیاز به نمونه‌گیری، تمامی ۲۸۰ خانوار جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند و به دلیل عدم حضور برخی از

و کیفیت این منابع، به‌ویژه مراتع و منابع آب، علل عمده این تحول به شمار می‌آیند.

بیشترین منبع تأمین درآمد خانوارها، قبل از اسکان دامداری و بعد از اسکان کشاورزی و مشاغل دیگر بوده است. برای بررسی دقیق و ارزیابی کمی میزان و نحوه تغییر در منابع و دارایی‌های دامی و زراعی عشایر در نتیجه اسکان، سرانه دام سبک و سنگین و همچنین سرانه زمین زراعی آبی و دیم، قبل و بعد از اسکان و در دو سطح متفاوت خانوار (با تقسیم مجموع دارایی‌های هر خانوار بر بعد آن) و کانون (خلاصه‌سازی سرانه‌های هر کانون با توجه به تعداد خانوارهای آن) محاسبه گردید. همچنین، با معادل‌سازی و ترکیب متناسب دام‌های سبک و سنگین و زمین‌های آبی و دیم (به شرح مختصری که در ردیف انتهایی جدول ۱ آمده است)، دو شاخص «سرانه واحد دامی معادل» و «سرانه واحد تولید زراعی معادل» نیز محاسبه شدند. به دلیل اعتبار بیشتر آزمون t در نمونه‌های کوچک و پایین بودن اعتبار نتایج آن برای نمونه‌های بزرگ، محاسبه و مقایسه سرانه‌ها، علاوه بر سطح خانوارها در سطح کانون‌ها نیز انجام شده است؛ اما به دلیل درجه آزادی بسیار پایین ۳ برای مقایسه در سطح کانون‌ها نیز، تحلیل‌ها و تفسیر آن‌ها در هر دو سطح خانوار و کانون به‌طور هم‌زمان صورت گرفته است. این نتایج، چنانکه در ادامه خواهد آمد، به‌جز در یک مورد تطابق کامل دارند. جداول ۱ و ۲، توصیف آماری متغیرها و شاخص‌های فوق و نتایج مقایسه آماری آن‌ها قبل و بعد از اسکان را در دو سطح خانوار و کانون، نشان می‌دهد.

طبق نتایج، قبل از اسکان، بیشتر زمین‌های زراعی دیم و بعد از اسکان با فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم به‌صورت آبی مورد بهره‌برداری افراد قرار گرفته‌اند. تعداد دام‌های ساکنین (سبک و سنگین) و به‌تبع آن میزان مصرف و فروش تولیدات لبنی نیز بعد از اسکان کاهش چشمگیری داشته است. سرانه هر دو نوع دام سبک و سنگین و همچنین معادل واحد دامی آن‌ها، در هر دو سطح خانوار و کانون، پس از اسکان کاهش چشمگیر داشته است. این کاهش با شدتی بسیار کمتر، در رابطه با سرانه زمین‌های دیم هم دیده می‌شود که البته تا اندازه‌ای به نفع سرانه زمین‌های آبی و با افزایش آن همراه بوده است. به عبارتی، سرانه بخشی از زمین‌هایی که تا قبل از اسکان به‌صورت دیم بوده‌اند، پس از اسکان و همراه با کاهش سطح فعالیت‌های دامداری و در نتیجه فراهم شدن زمان و

خانوارها در مواقع پرستشگری و به‌سر بردن آنان در مناطق قشلاقی و همچنین عدم تمایل و همکاری برخی دیگر از خانوارها، به‌ویژه در کانون خودجوش تنگاری، نهایتاً ۲۱۹ پرشننامه از طریق مصاحبه با سرپرستان خانوارها، در بازه زمانی بهار و تابستان ۱۳۹۴، تکمیل گردید. محتوای پرشننامه محقق‌ساخته شامل سه بخش ویژگی‌های جمعیت شناختی، دارایی‌ها و ویژگی‌های تولیدی دامی و زراعی خانوارها و نگرش آن‌ها نسبت به جوانب مختلف شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و محیطی-کالبدی مرتبط با فعالیت‌ها و معیشت آنان بود که همگی به‌صورت مقایسه‌ای (قبل و بعد از اسکان) بررسی شدند. روایی صوری پرشننامه با مراجعه به مبانی نظری در متون مرتبط برای گزینش گویه‌ها و پایایی آن نیز با اجرای پیش‌آزمون در یک نمونه مقدماتی به حجم ۲۸ خانوار و آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد. تمامی گویه‌های مربوط به این متغیرها به کمک طیفی ۵ قسمتی، شامل ارزیابی‌های خیلی بدتر، بدتر، بی‌تغییر، بهتر و خیلی بهتر شدن وضعیت‌های مورد پرسش در نتیجه اسکان، به ترتیب با امتیازهای ۱ تا ۵، مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها و بحث

طرح اسکان عشایر در کانون‌های مورد مطالعه از سال ۱۳۷۲ شروع شده و عملیات فیزیکی آن در سال ۱۳۷۵ پایان یافته است. بر اساس برداشت‌های میدانی، عشایر اسکان یافته در کانون‌های مورد مطالعه از ایل بویراحمد علیا، طایفه‌های قایدگیوی، اولادعلی مؤمن، گنجه‌ای، آقایی، جلیل، سادات امامزاده علی، جاوید، بابکان، عبداللهی و چند خانواری از ایل قشقایی (فارسی‌مدان) هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۵۱ سال و بیش از ۵۲ درصد آن‌ها بی‌سواد بوده‌اند. ترکیب مشاغل گویای تغییر تدریجی در ساختار اشتغال جامعه عشایری مورد مطالعه از مشاغل تولیدی دامداری و زراعت به مشاغل و فعالیت‌های خدماتی است، به‌گونه‌ای که اشتغال اصلی سرپرستان خانوارها به ترتیب مربوط به مشاغل آزاد کارگری و روزمزدی (۳۴/۲ درصد) و پس از آن، فعالیت‌های زراعی (۲۱/۵ درصد) و دامداری (۱۳/۲ درصد) بوده است. بهره‌وری بسیار پایین و نابهینگی شیوه‌های تولیدی عشایر در بهره‌برداری از منابع در اختیار، افزایش هزینه‌های تولید و همچنین کاهش کمیت

ارزیابی پیامدهای اسکان جامعه عشایری شهرستان بویراحمد در....

اهداف اولیه شکل‌گیری این کانون‌ها نیز هماهنگی دارد. سرانه زمین‌های دیم و همچنین سرانه واحد معادل زمین زراعی نیز در هر دو سطح خانوار و کانون با کاهش مواجه بوده است. این کاهش در رابطه با سرانه زمین‌های دیم، به میزان ۰/۴۶ هکتار در سطح خانوارها و ۰/۴۳ هکتار در سطح کانون‌ها، معنی‌دار و در رابطه با واحد معادل زمین زراعی به میزان ۰/۲۰ و ۰/۱۷ هکتار به ترتیب در سطح خانوارها و کانون‌ها، فاقد معنی‌داری آماری ارزیابی شده است. در مقابل، سرانه زمین‌های آبی، در هر دو سطح خانوار و کانون به میزان ۰/۱۱ هکتار (۱۱۰۰ متر مربع) افزایش داشته است.

زمینه بیشتر برای پرداختن به فعالیت‌های زراعی، تحت آبیاری قرار گرفته‌اند. این افزایش اما تا آن اندازه نبوده است که حتی با وزن بیشتر زمین آبی نسبت به زمین دیم، افزایش سرانه معادل واحدهای تولید زراعی را در پی داشته باشد و مطابق نتایج جدول، این متغیر نیز در هر دو سطح خانوار و کانون با کاهش نسبی پس از اسکان همراه بوده است. مقایسه میانگین‌ها در واقع وضعیت تغییرات در دارایی‌ها و منابع تولیدی دامی و زراعی عشایر را قبل و بعد از اسکان نشان می‌دهد. کاهش سرانه‌های دامی بعد از اسکان، در هر دو سطح خانوار و کانون کاملاً معنی‌دار بوده است که البته با

جدول ۱- مقایسه میانگین زوجی (T- test وابسته) متغیرها قبل و بعد از اسکان در سطح خانوار

متغیر	گروه‌بندی	میانگین	انحراف معیار	آماره t	Sig. t
سرانه دام سبک	قبل از اسکان	۲۵/۲۰	۲۷/۸۰	۱۰/۸۶	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۳/۵۲	۷/۹۹		
سرانه دام سنگین	قبل از اسکان	۱/۰۰	۱/۴۰	۶/۶۰	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۰/۳۳	۰/۸۲		
سرانه زمین آبی (هکتار)	قبل از اسکان	۰/۲۵	۰/۶۲	-۲/۱۳	۰/۰۳
	بعد از اسکان	۰/۳۶	۰/۵۴		
سرانه زمین دیم (هکتار)	قبل از اسکان	۰/۸۱	۱/۰۷	۶/۸۶	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۰/۳۵	۰/۸۷		
سرانه واحد دامی معادل*	قبل از اسکان	۲۹/۲۲	۳۰/۴۷	۱۱/۴۴	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۴/۸۳	۸/۷۴		
سرانه واحد تولید زراعی معادل*	قبل از اسکان	۱/۴۴	۲/۲۳	۱/۲۳	۰/۲۲
	بعد از اسکان	۱/۲۴	۱/۸۶		

* هر واحد دام سنگین معادل ۴ واحد دام سبک و هر هکتار زمین آبی معادل ۲/۵ هکتار زمین دیم در نظر گرفته شده است (ر.ک. به: قهرمان، ۱۳۶۱: ۱۳۸).

جدول ۲- مقایسه میانگین زوجی (T- test وابسته) متغیرها قبل و بعد از اسکان در سطح کانون

متغیر	گروه‌بندی	میانگین	انحراف معیار	آماره t	Sig. t
سرانه دام سبک	قبل از اسکان	۲۶/۱۸	۵/۵۴	۹/۴۰	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۴/۴۰	۲/۳۸		
سرانه دام سنگین	قبل از اسکان	۱/۰۹	۰/۲۸	۴/۰۶	۰/۰۳
	بعد از اسکان	۰/۳۷	۰/۲۲		
سرانه زمین آبی (هکتار)	قبل از اسکان	۰/۲۸	۰/۱۰	-۲/۱۵	۰/۱۲
	بعد از اسکان	۰/۳۸	۰/۰۸		
سرانه زمین دیم (هکتار)	قبل از اسکان	۰/۸۳	۰/۱۴	۳/۳۸	۰/۰۴
	بعد از اسکان	۰/۴۰	۰/۲۴		
سرانه واحد دامی معادل*	قبل از اسکان	۳۰/۵۳	۶/۵۶	۸/۳۶	۰/۰۰
	بعد از اسکان	۵/۸۷	۲/۹۵		
سرانه واحد تولید زراعی معادل*	قبل از اسکان	۱/۵۲	۰/۳۷	۰/۷۶	۰/۵۰
	بعد از اسکان	۱/۳۶	۰/۳۴		

ارزیابی و تحلیل پیامدهای اسکان عشایر

در ادامه برای بررسی دیدگاه پاسخگویان نسبت به پیامدهای مختلف اسکان بر محیط، فعالیت، معیشت و مناسبات اجتماعی و کاهش ابعاد نگرش‌های آنان به تعداد کمتری سازه‌های زیربنایی مؤلفه‌های اصلی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. ورودی‌های تحلیل، بیش از ۷۰ گویه‌ی بخش سوم پرسشنامه بودند. آماره KMO برابر با ۰/۷۵۸، با سطح معنی‌داری ۰/۰۰، بیانگر تناسب داده‌ها برای انجام این تحلیل بر اساس محتوای ماتریس ضرایب همبستگی بین آن‌ها بود. جدول ۳، نحوه بارگیری و ایجاد ۹ عامل استخراج شده با مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک را نشان می‌دهد. قابل اشاره است که تک‌تک عامل‌ها یک ترکیب خطی از همه متغیرهای وارد شده به مدل هستند و ضرایب بارهای عاملی بین همه متغیرها و عامل‌ها محاسبه و گزارش می‌شوند، اما در این جدول، برای نشان دادن واضح‌تر ساختار عامل‌ها و سهولت نام‌گذاری آن‌ها، تنها ضرایب بزرگ‌تر از ۰/۴ گزارش شده‌اند و متغیرها نیز نه به ترتیب ورود به مدل، بلکه به ترتیب بزرگی ضرایبشان با عامل‌ها مرتب شده‌اند.

با دقت در محتوای جدول ۳، معرفی و نام‌گذاری پیامدهای اسکان عشایر به شرح جدول ۴ صورت گرفت. در این جدول، همچنین مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس عامل‌ها نیز گزارش شده است. نه عامل استخراج شده با مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک و مجموع تبیین واریانس بیش از ۶۴ درصد به ترتیب عبارت بودند از «بهبود وضعیت مسکن و کیفیت زندگی» (۱۹/۱۲ درصد)، «دسترسی به خدمات (زیربنایی، آموزشی و بهداشتی)» (۱۰/۲۸ درصد)، «تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی» (۱۰/۰۸ درصد)، «تقویت بنیه اقتصادی» (۸/۹۲ درصد)، «افزایش کیفیت و بهداشت محیط اسکان» (۳/۳۷ درصد)، «آسیب‌های اجتماعی» (۳/۳۱ درصد)، «بهبود وضعیت درآمدی» (۳/۱۴ درصد)، «مشارکت و همکاری‌های جمعی» (۲/۹۷ درصد) و «تغییر کاربری اراضی (تخریب‌های محیطی)» (۲/۸۹ درصد). تفاوت چشمگیر توان تبیین عامل نخست در مقایسه با دیگر عوامل، بیانگر تأثیرگذاری عمده و اساسی اسکان در رابطه با بهبود وضعیت مسکن و کیفیت زندگی آنان نسبت به پیش از اسکان می‌باشد. پس از این تأثیرگذاری عمدتاً کالبدی، پیامدهای اسکان عشایر در رابطه با دسترسی به خدمات و تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی بوده است.

پیامدهای کم‌اهمیت‌تر اسکان عشایر در کانون‌های دشت روم، بهبود وضعیت مسکن و کیفیت زندگی پس از اسکان، بهبود وضعیت درآمدی و تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی خانوارهای اسکان‌یافته است. در کنار این موارد مثبت، بروز برخی آسیب‌های اجتماعی و تخریب‌های محیطی ناشی از تغییر کاربری اراضی زراعی و مرتعی در اثر تغییر الگوهای معیشتی و سبک زندگی نیز قابل‌ذکر و نیازمند برنامه‌ریزی‌هایی برای مهار و کنترل هستند. اهمیت این امر، چنانکه نوروزی و حیاتی (۱۳۹۴) نیز اشاره می‌کنند، به این جهت است که توجه به معیشت خانوار، یکی از مطرح‌ترین راه‌های پیشرفت و کاهش فقر در جوامع روستایی و عشایری است. در مجموع، نتایج مطالعه حاضر تا اندازه زیادی با نتایج مطالعه صالحی (۱۳۸۴) در شهرستان سمیرم (که نزدیکی جغرافیایی زیادی نیز با منطقه مورد مطالعه دارد) و تا اندازه کمتری با نتایج مطالعه‌ی جرسی و مانال (Kjersti & Manal, 2002) در تانزانیا مطابقت دارد. در آخرین بخش از یافته‌ها، برای مقایسه پیامدهای شناسایی و تحلیل شده بین چهار کانون منطقه، از آزمون تجزیه واریانس (ANOVA) و پس‌آزمون دانکن (Duncan) استفاده شد. جدول ۵، هم‌زمان نتایج این آزمون‌ها را همراه با مقایسه‌های پسین آن‌ها نشان می‌دهد.

تنها تفاوت‌های منطقه‌ای معنی‌دار بر اساس نتیجه این تحلیل، مربوط به عامل‌های «تقویت روابط و مناسبات اجتماعی»، «تقویت بنیه اقتصادی»، «آسیب‌های اجتماعی» و «مشارکت و همکاری‌های جمعی» است. وضعیت مناسب‌تر (روابط اجتماعی بهتر، بنیه اقتصادی برتر، همکاری‌های بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر) در سه مورد نخست به دو کانون تلخدان و منصورآباد که پرجمعیت‌تر از دو کانون دیگر و هر دو نیز هدایتی و برنامه‌ریزی شده هستند، تعلق دارد و در مقابل، تنها کانون خودجوش و حمایتی تنگاری از وضعیت ضعیف‌تری در هر چهار عامل برخوردار است. کانون هدایتی حسین‌آباد نیز دارای وضعیت برتر در رابطه با مشارکت و همکاری‌های جمعی و به‌طور کلی نیز دارای وضعیت میانه‌ای بوده است. در مجموع، بیشترین پیامدهای مثبت اسکان در کانون هدایتی تلخدان و کمترین آن‌ها در کانون خودجوش تنگاری وجود داشته است.

جدول ۳- ماتریس چرخیده بارهای عاملی (بارگیری عامل‌ها از متغیرها)

عامل‌ها	گویه‌ها (متغیرهای اولیه)	بارهای عاملی
عامل نخست	نوع مصالح واحدهای مسکونی	۰/۸۶
	وضعیت استحکام واحدهای مسکونی	۰/۸۳
	کیفیت امکانات زندگی	۰/۸۳
	دسترسی به رسانه‌های جمعی	۰/۸۲
	مسافرت، دید و بازدید و تفریح	۰/۸۰
	گرمایش و سرمایش واحد مسکونی	۰/۷۷
	نورگیری و روشنایی واحد مسکونی	۰/۷۵
	کفایت زیربنای واحدهای مسکونی	۰/۷۴
	کیفیت تغذیه در خانواده	۰/۶۶
	کیفیت پوشاک (به‌ویژه فرزندان)	۰/۶۵
	دسترسی به وسایل حمل‌ونقل	۰/۵۹
عامل دوم	استفاده از هیزم برای تأمین سوخت	-۰/۵۴
	خدمات بهداشتی و درمانی	۰/۸۹
	خدمات پست و مخابرات	۰/۸۲
	دسترسی به مراکز درمانی	۰/۸۱
	دسترسی و بر خورداری از برق	۰/۸۰
	راه ارتباطی	۰/۷۸
	بر خورداری از خدمات آموزش راهنمایی	۰/۶۳
	بر خورداری از خدمات دامپزشکی	۰/۶۰
	بر خورداری از خدمات آموزش ابتدایی	۰/۵۹
	وضعیت رفت و آمد	۰/۵۴
	عامل سوم	رابطه با همسایگان
اعتماد به اقوام و خویشان		۰/۸۳
روابط با دوستان و آشنایان		۰/۷۷
تمایل برای انجام کارهای گروهی		۰/۷۶
اعتماد نسبت به دوستان و آشنایان		۰/۷۲
بهبود روابط فامیلی		۰/۷۰
همکاری برای حل مشکلات مالی یکدیگر		۰/۶۸
عامل چهارم	بیمه دام و محصولات کشاورزی	۰/۷۶
	تنوع فعالیت‌های شغلی	۰/۷۳
	بهبود فروش محصولات	۰/۷۲
	ایجاد شغل‌های خدماتی	۰/۷۱
	رضایتمندی از دسترسی به اعتبارات بانکی	۰/۶۹
	سهولت فروش محصولات	۰/۶۸
	بازار مناسب برای فروش محصولات تولیدی	۰/۵۲
	توان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز	۰/۵۰
	بهبود جمع‌آوری و دفع زباله‌ها	۰/۷۲
عامل پنجم	دفع فاضلاب‌های خانگی	۰/۶۴
	کانال‌کشی و کنترل آب‌های سطحی	۰/۷۰
	پاکیزگی کانون و محل سکونت	۰/۵۷
	جمع‌آوری و دفع فضولات حیوانی	۰/۵۵

ادامه جدول ۳

عاملها	گویهها (متغیرهای اولیه)	بارهای عاملی
عامل	بروز برخی اختلافات قومی و طایفه‌ای	۰/۷۵
ششم	مشاهده اعتیاد در بین جوانان	۰/۷۴
عامل	رضایت از میزان کل درآمدها	۰/۷۰
هفتم	افزایش درآمد خانوار	۰/۴۴
عامل	همکاری و تصمیم‌گیری در مسائل مشترک	۰/۴۹
هشتم	مشارکت در مراسم عروسی و عزاداری	۰/۴۳
عامل	تغییر در کاربری اراضی زراعی	۰/۵۹
نهم	تغییر مراتع به مناطق مسکونی	۰/۴۱

جدول ۴- نام‌گذاری، مقادیر ویژه و تبیین واریانس پیامدهای مختلف اسکان عشایر

عاملها	مقدار ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تجمعی تبیین واریانس
بهبود وضعیت مسکن و کیفیت زندگی	۱۱/۲۸	۱۹/۱۲	۱۹/۱۲
دسترسی به خدمات (زیربنایی، آموزشی، بهداشتی)	۶/۰۷	۱۰/۲۸	۲۹/۴۰
تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی	۵/۹۵	۱۰/۰۸	۳۹/۵۰
تقویت بنیه اقتصادی	۵/۲۶	۸/۹۲	۴۸/۴۰
افزایش کیفیت و بهداشت محیط اسکان	۱/۹۹	۳/۳۷	۵۱/۷۸
آسیب‌های اجتماعی	۱/۶۵	۳/۳۱	۵۵/۱۰
بهبود وضعیت درآمدی	۱/۸۵	۳/۱۴	۵۸/۲۳
مشارکت و همکاری‌های جمعی	۱/۷۵	۲/۹۷	۶۱/۲۱
تغییر کاربری اراضی (تخریب‌های محیطی)	۱/۷۰	۲/۸۹	۶۴/۱۰

جدول ۵- مقایسه میانگین پیامدهای اسکان در چهار کانون مورد مطالعه

عامل‌های شناسایی و استخراج شده	میانگین پیامدها در کانون‌های اسکان دشت روم			
	حسین‌آباد (a)	منصورآباد (b)	تلخدان (c)	تنگاری (d)
بهبود وضعیت مسکن و کیفیت زندگی	۰/۲۱	۰/۱۸	-۰/۲۹	۰/۰۹
دسترسی به خدمات (زیربنایی، آموزشی، بهداشتی)	۰/۳۱	۰/۰۸	-۰/۲۸	۰/۲۹
تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی	-۰/۲۲	۰/۰۱	۰/۲۹ ^d	-۰/۵۹ ^c
تقویت بنیه اقتصادی	۰/۰۱ ^d	۰/۳۹ ^d	۰/۰۱ ^d	-۱/۰۸ ^{abc}
افزایش کیفیت و بهداشت محیط اسکان	-۰/۳۷	۰/۰۶	۰/۰۶	-۰/۰۵
آسیب‌های اجتماعی	۰/۳۵	-۰/۲۲ ^d	-۰/۰۵	۰/۴۶ ^b
بهبود وضعیت درآمدی	-۰/۳۱	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۱۷
مشارکت و همکاری‌های جمعی	۰/۴۵ ^{bd}	-۰/۱۹ ^a	۰/۱۶	-۰/۲۳ ^a
تغییر کاربری اراضی (تخریب‌های محیطی)	-۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۰۰

تذکر: حروف a, b, c, d در بالای هر میانگین بیان‌گر معنی‌دار بودن آماری اختلاف آن با میانگین هر کدام از کانون‌های a (حسین‌آباد)، b (منصورآباد)، c (تلخدان) و d (تنگاری)، بر اساس نتایج آزمون ANOVA و پس‌آزمون دانکن است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحول نیز به بهره‌وری بسیار پایین و نابهینگی شیوه‌های تولیدی عشایر در بهره‌برداری از منابع در اختیار، افزایش هزینه‌های تولید و همچنین کاهش کمیت و کیفیت این منابع، به‌ویژه مراتع و منابع آب برمی‌گردد. با این وجود،

در این مطالعه، تغییر در شیوه معیشت و منبع تأمین درآمد خانوارهای اسکان‌یافته از شکل غالب دامداری به کشاورزی و مشاغل دیگر مشهود بوده و عمده‌ی علل این

ابتدایی بودن سبک و استاندارد نامطلوب زندگی آنان، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح پایین فناوری و برخورداری‌های خدماتی، ورود عناصری از جامعه مدرن به درون جامعه عشایری و متعاقب آن فروپاشی تدریجی ساختارها و کارکرد نظام ایلی، فقیر و تخریب مراتع به‌عنوان بسترهای نگهدارنده و قوام‌بخش سازوکارهای عشایری و گسترش آسیب‌های معیشتی و موارد مشابه، موجب استقبال جامعه عشایری از طرح‌های اسکان است. داوطلبانه و خودجوش بودن بسیاری از سایت‌های اسکان نیز حاکی از همین امر است؛ اما چنانکه نتایج تحلیل‌های مقایسه‌ای مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهند، مطلوبیت اوضاع اقتصادی، اجتماعی و محیطی پس از اسکان در کانون خودجوش تنگاری به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از کانون‌های برنامه‌ریزی و هدایت شده دیگر بوده است؛ بنابراین، استقبال عشایر از اسکان، شرط کافی برای موفقیت نیست. استقبال و تمایل نخستین عمده کنشی ناشی از استیصال و کیفیت پایین زندگی است که پیامدهای کالبدی مانند بهبود وضع مسکن و توسعه خدمات نیز آن را تقویت نموده و تا اندازه‌ای پایداری آن را تضمین می‌نماید. آموزش، مکانیزمی ضروری و کارآمد برای جبران نسبی ضعف‌ها و تقویت فرصت‌های ناشی از اسکان در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. تحول نظام‌های سنتی دامداری به سمت شیوه‌های بهینه‌تر دامپروری، استفاده کارآمد و پایدار از منابع پایه خاک و آب کشاورزی به‌صورت روش‌های مناسب شخم و آبیاری، توجه و تمرکز بر طرح‌های آبخیزداری، سوق دادن تولیدات دامی به چرخه‌های فرآوری، ساماندهی زنجیره تولید تا فروش صنایع دستی، تشکیل و تقویت نهادهای محلی برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌های جمعی زمینه‌ساز پایداری بیشتر محیط‌زیست و حیات اقتصادی و اجتماعی جوامع عشایری پس از اسکان هستند و بایستی از طریق آموزش‌های مداوم و نظارت و پیگیری مستمر، نهادینه شوند.

علی‌رغم معنی‌داری کاهش در سرانه‌های دامی و حتی زمین‌های دیم، افزایش در سرانه زمین‌های زیر کشت آبی در سطح خانوارها، اندک و غیر معنی‌دار بوده است. به این ترتیب، اجرای سیاست اسکان با سابقه‌ای نسبتاً طولانی در میان عشایر منطقه، موفقیت‌چندانی در بهره‌ور نمودن و تحول اساسی‌ترین بعد زندگی عشایر یعنی اقتصاد و معیشت آنان نداشته و در مجموع رانش نسبی ساختارهای اقتصادی آنان از بخش‌های تولیدی به مشاغل دیگر را در پی داشته است. این واقعیت گویای آن است که موفقیت طرح‌های اسکان نیازمند برنامه‌ریزی بعد از اجرا نیز می‌باشد. مطلب بسیار مهم دیگر، گستره پیامدهای خواسته و ناخواسته اسکان کوچندگان است که تا پیش از آن، گونه و میزان روابطشان با یکدیگر و با محیط پیرامون به‌کلی متفاوت بوده است. این پیامدها، چنانکه نتایج نشان داد، عمدتاً مثبت و در مواردی نیز منفی بودند. در بین پیامدهای مختلف اسکان، بهبود وضعیت مسکن، دسترسی بیشتر به انواع خدمات، بهبود روابط اجتماعی و تقویت بنیه اقتصادی، اولویت‌های نخست را داشته‌اند و کمترین اهمیت نیز مربوط به مشارکت و همکاری‌های جمعی و تغییر کاربری اراضی به‌صورت تخریب‌های محیطی در اثر تغییر الگوهای معیشتی و سبک زندگی عشایر بوده است. پیامدهای دیگر اسکان عشایر در کانون‌های مورد مطالعه، ارتقای استانداردهای بهداشت محیط زندگی پس از اسکان، بهبود وضعیت درآمدی و برخی آسیب‌های اجتماعی بوده است که نیازمند برنامه‌ریزی‌هایی برای مهار و کنترل هستند. تفاوت‌های معنی‌دار منطقه‌ای برخی از این پیامدها بین کانون‌های چهارگانه، بسته به خودجوش یا هدایتی بودن آن‌ها نیز متضمن لزوم دقت نظر و اقدامات سنجیده‌ای در رابطه با راهبرد توسعه‌ای اسکان عشایر است. چنانکه نتایج نشان داد، در رابطه با همه پیامدهای با تفاوت معنی‌دار بین کانون‌ها، موقعیت‌های برتر و مناسب‌تر متعلق به کانون‌های هدایتی و وضعیت و موقعیت ضعیف‌تر مربوط به تنها کانون خودجوش منطقه بوده است؛ بنابراین، استقبال جوامع هدف یکی از عوامل اجرای موفق این طرح‌هاست و برخی ویژگی‌های خاص این جوامع مانند

منابع

- آنامردنژاد، ر. ب. (۱۳۹۰). تحولات اجتماعی ۵۰ سال اخیر در بین عشایر ترکمن (مطالعه موردی: بندر ترکمن). *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۷۶-۶۰.
- احمدی کیش، ع.ا.، احمدوند، م.، و شریف‌زاده، م. (۱۳۹۵). واکاوی مقایسه‌ای علل توسعه‌نیافتگی روستایی: مورد مطالعه روستاهای بخش مارگون در شهرستان بویراحمد. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۲، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۲۳.
- اداره کل امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۰). *مطالعات طرح و توسعه دشت روم*. یاسوج: اداره امور عشایر. استانداردی کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۲). *سال‌نامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد*.
- بخشنده نصرت، ع. (۱۳۷۰). برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی. *مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، شیراز، ۲۳-۲۲ اردیبهشت، صص ۴۴-۱۷.
- توکلی، ج. (۱۳۸۴). مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر. *مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران*، تهران، ۲۴-۲۳ اردیبهشت، صص ۴۶۸-۴۳۷.
- توکلی، ج.، و ضیاءتوانا، م. (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری. *مجله روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۸۶-۵۳.
- خضولو، ب.، آقایی، ا.، و فرج‌الدینا، ک. (۱۳۸۴). ارزیابی مشارکتی طرح اسکان عشایر دشت شیبیلو در استان آذربایجان غربی. *مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران*، تهران، ۲۴-۲۳ اردیبهشت، صص ۶۶۸-۶۶۳.
- دهقانی، ا.، صیدائی، ا.، و شفقی، س. (۱۳۹۱). سنجش و بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان). *مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۲، شماره ۲۷، صص ۹۶-۷۷.
- رفیع‌فر، ج.، و قربانی‌ریگ، ر. (۱۳۸۶). تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان (نمونه موردی: عشایر تالش در طول سه نسل). *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۳۱، صص ۸۰-۵۷.
- ریاحی، و.، احمدی، ر.، و عزمی، آ. (۱۳۹۲). بررسی طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد). *مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۱۲-۹۵.
- شاطری، م.، و حجتی‌پور، م. (۱۳۹۰). اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی: شهرک نازدشت سریشه در استان خراسان جنوبی). *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال ۳، شماره ۲، صص ۲۹-۱۷.
- شاطریان، م.، گنجی‌پور، م.، و اشنواپی، ا. (۱۳۹۰). تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی (روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ). *روستا و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۳.
- صالحی، ا. (۱۳۸۴). ارزشیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل‌افشان و چشمه‌رحمان اصفهان. *مجموعه مقالات همایش ساماندهی جامعه عشایر ایران*، تهران، ۲۴-۲۳ اردیبهشت، صص ۴۶-۹.
- صیدائی، ا.، و دهقانی، ا. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی زیست‌بوم‌های عشایری*. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی: طایفه وری علی‌نظر در ایلام). *مجله علوم اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۳۲، صص ۳۵-۱۹.
- قهرمان، ب. (۱۳۶۱). *دو یادداشت درباره کشاورزی تجاری در ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- کیاوند، ع. (۱۳۸۰). *سیاست، حکومت و عشایر*. تهران: نشر صنم.
- محمدپور، ا.، و احمدی، ن. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر روش‌ها و سیاست‌های توسعه و ساماندهی عشایر کشور از دیدگاه توسعه انسانی، توسعه پایدار و انسان‌شناسی توسعه: ارائه یک مدل ترکیبی و کاربردی. *مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران*، تهران، ۲۴-۲۳ اردیبهشت، صص ۳۲۶-۲۸۱.

مهدوی، م.، رضایی، پ.، و قدیری معصوم، م. (۱۳۸۶). روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن. *مجله روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۴۱-۶۱.

نجفی، ب. (۱۳۸۳). نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران. مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران، ۲۳-۲۴ اردیبهشت، صص ۳۴۹-۳۷۲.

نوروزی، م.، و حیاتی، د. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۱، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۴۴.

Jarmila, P. (2011). Sedentarisation of Tibetan nomads in China: Implementation of the nomadic settlement project in the Tibetan Amdo area; Qinghai and Sichuan provinces. *Pastoralism: Research, Policy and Practice*, 1 (4), 1-11.

Kjersti, L., and Manal, H. (2002). Study on perceptions of sedentarization of nomads. Dry lands coordination Group, noragric. Agricultural University of Norway, Report No. 24: 126.

Larsen, K. (2003). Sedentarization of nomadic people: The case of the Hawawir in Um Jawasir northern Sudan. Dry lands coordination Group (DCG), Report No. 24. Available at: < <http://www.drylandsgroup.org> >

Vassa, S. (2001). Sedentarization of pastoral nomads. Available at: < <http://www.vassa.net/saloni/nomads.htm> >.

Evaluating the Consequences of Nomads Community Settlement of BoyerAhmad Township in Dasht-e-Roum Settling Sites

A. Amini* and S. Rouzfarakh¹

(Received: Feb, 12. 2017; Accepted: Mar, 13. 2018)

Abstract

The sweeping social, economic and cultural changes that have occurred in recent decades have brought about major difficulties for nomad communities in continuing their lives with past practices. Settlement is an approach to manage some of these challenges in view of both some practitioners and nomad community. But, the policy doesn't reach to desired objectives and conducted sometimes to unfavorable consequences. This study has investigated the consequences of nomads settlement in Dasht-e-Roum region of BoyerAhmad Township, both in the guided settling sites (Hossein Abad, Mansour Abad and Talkhdan) and the spontaneous one (Tangari). Totally 219 household heads interviewed from the whole 280 household community to gather the needed data and the reliability of questionnaire assessed 0.89 using the Cronbach's alpha test. The main consequences, based on the factor analysis, were the promotion in the situations of dwelling, facilities accessibility, social relations, economical foundations, settling environment health, households' income, collective collaborations, some social damages and land use changes (environmental degradation). Most of the cultivated lands had change from the rainfed system to irrigated and per capita livestock reduced after the settlement. So, despite the obvious change of livelihood style from husbandry to farming, the main consequences of settlement were the social changes, access to services and relative stability of dwelling followed by economical bases, occupation and income situation. Generally, the 15 precedent years policy of settlement hasn't had a considerable impact on productivity and evolution in nomads economy and livelihood. The major consequence has been the change of economic structures from productive sectors to other occupations with some differences among the four studied settling sites.

Keywords: Nomads' Settling, Dasht-e-Roum Settling Sites, BoyerAhmad Township.

¹ Associate Professor and Former M.Sc. Student of Geography and Rural Planning, respectively, Department of Geographical Sciences and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

* Corresponding Author, Email: a.amini@geo.ui.ac.ir